

## چکیده ای از زندگی سیاسی عباس امیرانتظام



بیانیه جبهه ملی ایران-سامان ششم- در سالگرد عباس امیرانتظام

مهندس عباس امیرانتظام، زاده ۱۳۱۱ تهران، از زمان دانش آموزی در دبیرستان دارالفنون جزو جوانان هوادار جنبش ملی کردن نفت و مجذوب دکتر مصدق شده بود. پس از کودتای سال ۱۳۳۲، و تشکیل نهضت مقاومت ملی، در حالیکه در دانشکده فنی دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس مهندسی برق و ماشین یا الکترومکانیک را میگذراند، از جوانان فعال نهضت مقاومت هم بود، و او بود که نامه اعتراضی نهضت مقاومت ملی به کودتای ۲۸ مرداد را هنگام دیدار ریچارد نیکسون از تهران، به کارمند سفارت امریکا داد تا به نیکسون برساند.

در سال ۱۳۴۰ که مهدی بازرگان، یدالله سحابی و آیت الله طالقانی از جبهه ملی ایران جدا شدند و حزب نهضت آزادی را بنیاد گذاشتند، امیرانتظام به آن حزب پیوست و مهندس بازرگان هم امیرانتظام، حسن نزیه و ابراهیم یزدی را بعنوان کمیته حزب نهضت آزادی در دانشگاه تعیین کرد. امیرانتظام در سال ۱۳۴۲، برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و در آنجا دوره گواهینامه مهندسی بتون را گذراند و در سال ۱۳۴۳ به امریکا رفت و در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی در رشته مهندسی سازه مشغول تحصیل شد، و در سال ۱۳۴۵، فوق لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ امیرانتظام با تشکیل شرکت مهندسی و بازرگانی به فعالیت اقتصادی و عمرانی پرداخت، و هیچگونه فعالیت سیاسی نمیکرد.

پس از انقلاب، با تشکیل دولت موقت، مهندس بازرگان شخصا از امیرانتظام که علاقه ای هم به کار دولتی نداشت، درخواست کرد که با پذیرش معاونت نخست وزیری و سخنگویی دولت او را یاری دهد. علاقه زیاد امیرانتظام به بازرگان وی را وادار کرد پیشنهاد او را بپذیرد. او همچنین نماینده ویژه رئیس دولت موقت در مذاکرات با امریکا و شوروی شد. در دوران بازرگان محفلهایی در جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مجلس موسسان تشکیل شد که طرح ایجاد شورای نگهبان را ریخته بودند. امیرانتظام این حرکت را در تضاد با خواسته های مردمی که به امید آزادی سیاسی انقلاب کرده بودند، و شیوه های دموکراتیک، تشخیص داد و موضوع را با بازرگان مطرح کرد. بازرگان که خود بشدت مخالف انحصار و کنترل جامعه توسط روحانیت بود، به او گفت که لایحه ای برای مخالفت با آن فراهم کند و به امضای همه وزیران برساند. امیرانتظام بیدرنگ این کار را کرد و طرح را نخست به امضای مهندس بازرگان رساند و برای گرفتن امضا با یک یک وزیران جداگانه ملاقات کرد و امضای آنان را گرفت، بجز سه تن از وزیران عضو حزب نهضت آزادی، هاشم صباغیان، ناصر میناچی و ابراهیم یزدی، ولی اکثریت قاطع حاصل شده بود. در اینجا اشتباهی که بازرگان کرد عدم اعلام فوری آن بود که امیرانتظام بر آن اصرار داشت. بازرگان طرح را در هیئت وزیران، که در هر حال با اکثریت قاطع آن را تصویب کرده بودند اعلام کرد. در نشست های هیئت وزیران پنج روحانی ناظر از سوی شورای انقلاب بودند و طبیعی بود که با این طرح مخالفت کنند. این روحانیان عبارت بودند از آیت الله بهشتی، حجت الاسلام خامنه ای، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله محمد یزدی.

پس از جلسه هیئت وزیران، بازرگان بیدرنگ امیرانتظام را به دفترش خواند و به او می گوید که بیدرنگ با نخستین هواپیما کشور را ترک کند. یک حکم ماموریت سفارت هم به او می دهد. امیرانتظام حدود خرداد ۵۸ به عنوان سفیر ایران

در کشورهای اسکانديناوی به استکهلم رفت. در آذرماه ۱۳۵۸، کمال خرازی معاون وزير خارجه در زمان وزارت صادق قطب زاده، بدون آگاهی وزير خارجه، اميرانتظام را برای "مشورت در یک امر مهم" به تهران احضار کرد. در سوئد وزير خارجه سوئد به اميرانتظام گفت که این یک توطئه است و میخواهند بازداشت کنند، در فرودگاه فرانکفورت هم نماینده وزير خارجه آلمان همین را به اميرانتظام گفت؛ ولی اميرانتظام مطمئن از بیگناهی خود در ۲۸ آذر ۵۸ به ایران بازگشت و بیدرنگ بازداشت شد.

اميرانتظام از این تاریخ برای ۵۵۵ روز به جرم "توطئه برای انحلال شورای نگهبان" و مخالفت با نظام ولایت فقیه و تماس با ماموران امریکا، بدون محاکمه در سلول انفرادی زندان اوین زندانی شد. سپس در دادگاه انقلاب بدون حضور وکیل مدافع، هیئت منصفه، یا روند قانونی دادرسی، توسط آیت الله محمدی گیلانی محاکمه و بجرم اتهامات واهی و بدون هیچگونه سند یا شاهد، به حبس ابد محکوم شد. در رابطه با اتهاماتش، تنها کس از نهضت آزادی یا دولت موقت که از او دفاع کرد مهندس مهدی بازرگان بود. جالب است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام پس از بالارفتن از دیوار سفارت امریکا و ایجاد آسیبهای جبران ناپذیر به کشور، ادعا کردند که مدارک زیادی دال بر ارتباط سری اميرانتظام با امریکاییان در اختیار دارند. ولی این کار زشت و خرابکارانه آنها فقط برای گل آلود کردن آب و فریب مردم بود. آنچه آنها پیدا کردند نامه ای رسمی بود که با "آقای عزیز" آغاز میشد، که اصطلاحی رایج در همه مکاتبات به زبان انگلیسی است، مانند "آقای محترم" خودمان. اميرانتظام در طول هفده سال زندان که در اوین، همه گونه توهین و تحقیر ممکن را، حتا توطئه تصادم مصنوعی با مینی بوس، بستن دست و پایش با زنجیر به تخت بیمارستان، و دستور تمیز کردن مستراح های زندان، و بستنش به دم الاغ برای رفتن به بیمارستان و غیره را با ایستادگی و متانت تحمل نمود ولی سر خم نکرد.

زندانی بودن اميرانتظام از حدود سال ۱۳۷۵، که روزنه روابط بین الملل کمی باز و رسانه های جهانی پایشان به ایران باز شده بود، یک مسئله بزرگ حیثیتی برای نظام شد. او در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۲) با آقای رینالدو گالیندوپل، بازرس ویژه سازمان ملل، در زندان اوین ملاقات کرد و موارد فاحش نقض حقوق بشر را برای او تشریح و علیه مسئولان نظام جمهوری اسلامی اعلام جرم کرد. عکسهای او روی تخت بیمارستان در حالیکه به تخت غل و زنجیر شده بود در برخی رسانه ها چاپ شد باعث جهانی شدن شهرت سرنوشت اميرانتظام شد.

بارها به او گفتند اگر درخواست عفو کند، آزادش می کنند؛ ولی اميرانتظام از این کار خودداری کرد و میگفت که جمهوری اسلامی است که باید از وی طلب عفو بکند. حتا یک بار آیت الله محمد یزدی در ملاقات با مهندس بازرگان و ابراهیم یزدی میگوید که ما میخواهیم اميرانتظام را آزاد کنیم، ولی او عفونامه نمی نویسد. سرانجام در سال ۱۳۷۵، به گفته خودش، او را از زندان اوین بیرون کردند! البته زمینه اش مرخصی درمانی بود.

در همان سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۷)، با موریس دنی کویپتورن، نماینده سازمان ملل، در دفتر سازمان ملل در تهران ملاقات کرد و موارد نقض حقوق بشر را شرح داد. در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۲)، هم با لویی دو ژوانه، رییس گروه پژوهش بازداشتیهای خودسرانه، در تهران ملاقات نمود و نسبت به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرد. در سال ۱۳۷۵، اميرانتظام برنده جایزه بین المللی حقوق بشر "برونو کرایسکی" از اتریش شد. در سال ۱۳۸۳، جایزه بین المللی شهامت اخلاقی "کرانسکی" به او اهدا شد، و در ۱۳۸۶، لوح سپاس حقوق بشر از سازمان مدافعان حقوق بشر ایران را دریافت کرد.

در سال ۱۳۷۵ که اميرانتظام به عنوان مرخصی درمانی و کهولت سن آزاد شد. با آزاد شدن اميرانتظام علاقه رسانه های خارجی برای با تماس با او زیاد شد. پس از ترور [اسدالله لاجوردی](#)

دادستان انقلاب و رییس زندان اوین، امیر انتظام مصاحبه ای در شهریور ۷۷، با صدای امریکا کرد. در این مصاحبه افزون بر «جلاد» خواندن لاجوردی، به قاضی دادگاه انقلاب آیت الله محمدی گیلانی که وی را به حبس ابد محکوم کرده

بود هم حمله کرد. حمله به یک روحانی کار بسیار خطرناکی است، چون آنان فراتر از قانون هستند. این مصاحبه منجر به تشکیل پرونده‌ای جدید علیه وی با شکایت ساختگی خانواده لاجوردی به اتهام «تهمت»، و شکایت دادستان به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» شد!

در سال ۷۹ امیرانتظام بار دیگر به زندان اوین بازگردانده شد. ولی باز با مرخصی درمانی آزاد شد. دادگاه وی در ۲۳ خرداد ۸۵ برگزار شد؛ و او در دادگاه تاکید کرد: «هرآنچه در مصاحبه سال ۷۷ گفتم، حقیقت است.» دستگاه قضایی چندی بعد علی‌رغم زندانی کردن وی، این پرونده را مختومه کرد.

در آغاز آزادی امیرانتظام زیر فشار دوستانش در آستانه بنیانگذاری یک حزب سیاسی قرار گرفت. ولی برخی از اعضای جبهه ملی ایران او را ترغیب به عضویت در جبهه ملی ایران کردند. در همایش چهارسالانه جبهه ملی ایران در ۱۳۸۲، ایشان غیابی برای عضویت در شورای مرکزی نامزد شد، و با وجود اعتراض شدید دو تن از اعضای شورای جبهه، ایشان با رای بالا انتخاب شد، و سپس در انتخابات داخلی شورا هم به عضویت هیئت رهبری برگزیده شد. بسیاری مواقع به علت بیماری و ناتوانی جسمی نشست های هیئت رهبری جبهه ملی ایران در خانه او برگزار میشد.

امیرانتظام خیلی علاقه داشت کاری برای کشور و ملت بکند. بهمین دلیل وقتی محمد خاتمی توسط یکی از بستگانش از او خواست پیشنهادهایی برای بهبود وضع کشور بدهد، مهندس امیرانتظام همراه با یکی از اعضای جبهه ملی ایران طرح جامع بهبود مدیریت کلان کشاورزی در کشور را تدوین و برای رییس جمهور فرستاد که بیدرنگ به وزیر کشاورزی وقت ابلاغ شد.

ما برآستی این مرد را یکی از شخصیت های نادر تاریخ معاصر ایران می دانیم. خیلی به او جفا شده، خیلی به او خیانت شد، خیلی سختی کشید. با جود همه اینها، همیشه در اندیشه چگونه بهتر اداره کردن کشور بود. از جمله طرحهای او برای ایران که منتشر شده:

- طرح استفاده بهینه نیرو و انرژی جوانان در ایران در قالب سپاه کار و دانش و کشاورزی و... در ۱۳۳۶ .

- طرح امنیت عمومی کشور در دولت موقت که به رغم تصویب به اجراء گذاشته نشد.

- طرح انحلال مجلس خبرگان در سال ۱۳۵۸ .

- طرح عمران کلی کشور .

- طرح از بین بردن بیکاری در کشور .

- طرح سیستم حذف واسطه ها در چرخه تولید و مصرف .

- طرح نجات بشریت از خطر مواد مخدر.

- طرح خودکفایی در خط تولید وسائط نقلیه در داخل کشور و بازاریابی برای صادرات تولیدات مازاد .

- طرح استفاده بهینه از آبهای قابل استفاده برای شرب و کشاورزی ایران و جلوگیری از صدور آب .

- طرح ایجاد و تکمیل مترو در تهران و شهرستانها.

آنچه درباره امیرانتظام برجسته بود، فعال بودن ذهن اندیشمند و نوآور او با وجود بیماریهای متعدد بود. در طی سالهای آزادی پس از زندان انواع بیماریهای ناشی از زندان طولانی و فقدان رسیدگی پزشکی و محرومیت او از دسترسی به دارو و درمان، در او جمع شده بود. بارها در بیمارستان بستری شد، بارها تحت جراحی قرار گرفت، راه رفتن برایش

دشوار شد، خوابیدن برایش دشوار شد، بیدار ماندن برایش دشوار شد و سخن گفتن برایش دشوار. ولی با وجود همه این نارسایی ها و ناتوانی های جسمی ذهن هوشمند او فعال ماند و هرگز از اندیشه چگونه به میهن خدمت توان کردن غافل نشد.

امیرانتظام خود را فدا کرد تا نسل ما نمادی دیگر را برای روحیه دادن به خود، برای پایداری در برابر بدی ها، و برای ناامید نشدن از پیروزی نهایی خوب بر بد، داشته باشد. بیگانگانی که از سر برافراشتن ایران میترسند، از فساد و هرج و مرج سیاسی و عقب افتادگی ما شادمانند، زیرا ایران مانند درخت تنومند سایه انداز هزاران ساله ایست که هرگز نمی خشکد؛ پس باید با یک نظام ویرانگر فاسد هوایش را مسموم کرد، آتش را آلوده کرد و تبراها را به جانش انداخت. ولی روییدن کسانی چون امیرانتظام نشان اینست که ایران هرگز نخواهد مرد.

**هیئت رهبری جبهه ملی ایران-سامان ششم**

۱۸ تیرماه ۱۳۹۸ خ